طریقه رنگ کردن او آنست که یک سیر تخم پنواڑ که آنرا در هندی چکوڑ و نیز پیکوڑ میگویند بجای که خوب غرق
بریان کنانده او را آرد کرده در پارچه نموده با یک سیر نیل خالص در ظرف بانانده که ماثه باشد
انداخته در آب که بران بگذرد تر نماید و صبح و شام و نیم روز بچوب ته و بالا کرده باشد
تا آنکه خمیر او درست شود و عفونت دهد و چون خمیرش درست شود آن زمان پارچه را رنگ دهد
که پخته خواهد شد دیگر چونه قلعی نیم آثار و نیل خالص یک سیر و شیرهٔ قند سیاه نیم سیر همه آمیخته
در ماثه انداخته قدری آب بگذارد و هر سه اوقات مذکوره بچوب حرکت داده باشد
که زود خمیر طیار خواهد شد و اگر موسم یا ملک سرد باشد گرد ماثه چونه آتش افروزد که
بگرمی آن زود خمیر آید دران رنگ پارچه کند اگر پارچه را بعد خشک شدن در شیر گاو تازه
غرق کند یا در آب جوشانده حنا تر کند پخته تر گردد **فصل دوم** در بیان رنگ زرد کردن
از حافظ الیعقوب خان صاحب آفریدی خورجوی بیارد دو گز پارچه را در زرد چوب که خوب
سائیده باشند رنگ دهد وا فشرده خشک کند بعده در آب پھٹکری سفید سائیده آمیخته
پارچه را دران شوب دهد و خشک کند باز چھال صاف از انبه آرد نیم سیر و با آب سه سیر
جوشانیده صاف نموده پارچهٔ مذکور را دران شوب کرده باز خشک کند و بکندی سازد
از عالی سه پای از رنگ زرد نشاط نهان من ٭ چون زعفران نکیست بهار و خزان من ٭
دیگر رنگ زرد که بدستخط حاجی امین الدین صاحب کاکوری قدس سره یافتم گل هارسنگھار
مجیٹھه ناسپال مجیٹھه را علحده جوش نماید و گل مذکور و ناسپال را یک جا جوش کرده
وقتیکه نیم آثار رنگ بماند اول از پھٹکری پارچه تر کرده بعد ازان وقتیکه خشک شود
دو بار در میان رنگ مذکور که هر دو را یک جا کرده رنگ نماید این بود تقریر حاجی صاحب مغفور
مسئله طحطاوی ست واما الاصفر من غیر الزعفران فلا کراهة
فیه یعنی در پارچهٔ زرد که بغیر زعفران رنگش زرد کرده باشند کراهت نیست **فصل سوم**
در بیان رنگ انبوه زرد چوب ناسپال کٹ آب زاک اول زرد چوب را در

در آب سائیده دو دو آثار در عه پارچه را رنگین سازد و در آب تنگ صاف کرده خشک کرده و رنگ ناسپال
که جوش داده گرفته باشند رنگ نموده آب آنرا نگاه دارد و بعد ازین کت نموده بعده همان آب ناسپال را
باز نگاه داشته بود پس خشک کرده زاک را باریک سائیده در آب تر نموده در آب زاک داده نموده
سنهرا انبوه خواهد شد. دیگر رنگ سنهرا انبوه دو دو آثار در عه پارچه را زرد چوب پنج فلوس ناسپال پاؤ آثار
کیرو بوزن نیم فلوس زاک بوزن دو فلوس اول زرد چوب نموده صاف کند بعد ازین ناسپال را
جوش داده صاف کرده رنگ نموده آب ناسپال را نگاه دارد و بعد ازین کیرو نموده بعده همان آب
ناسپال که داشته بود بعد ازین زاک آب نموده بعد ازین در آب زاک ماده نموده سنهرا انبوه خواهد شد
دیگر ناسپال و مجیٹھہ برابر هر دو را جدا جدا بجوشانند و پھٹکری داده خشک نموده در آب هر دو صاف
باهم آمیخته رنگ کند دیگر انبوه کشمشی بار چوب پخته کتھل که برنگ سرخ باشد یک پاؤ دوآن
پاره پاره کرده در آفتاب اندکی خشک کند پس آنرا در آب چهار آثار بخته مع پوٹلی گل معصفر و گل ہارسنگھار
و گل ٹیسن که هر یک دو دو توله در پارچه بسته باشند بجوشانند هرگاه که خوب پخته شد از آتش فرود آورده
سرد کنند دو دو گز پارچه را اول در یک توله شنجرف که خوب در آب با احتیاج سائیده باشند رنگین سازد
خشک نماید بعده در آب جوشانده صاف کرده رنگین نماید و خشک کرده باستعمال آرد
از لاله دیبی پرشاد صاحب کایست سری باستب متوطن قصبه لسوان ضلع سیتاپور دیگر
از لاله صاحب ممدوح است ناسپال و مجیٹھہ مساوی وزن هر دو را جوکوب نموده شب در آب
که بقدر رنگ باشد تر نماید و صبح جوش دهد پس صاف نموده نگاه دارد اول پھٹکری را خوب باریک
ساخته در آب حل کند و جامه را در ان آب ترکرده خشک نماید بعده در آب مطبوخ مصفی غوطه دهد
که رنگ انبوه سنهرا خواهد شد و اگر بعد از شوب در آب نیل غوطه داده در آب مطبوخ غوطه دهد مرغی خواهد شد

فصل چهارم در رنگ طوسی کھلی ببول نیم آثار مجیٹھہ پاؤ آثار کسیس یکدام پھٹکری دو دام
پھسلی و مجیٹھہ را اول جوکوب نموده شب در آب تر کرده و صبح جوش دهد و آب آنقدر باشد که دو قرعه
رنگ توان کرد اول پارچه را در آب صاف پھٹکری شوب داده خشک نموده و رنگ نموده اول آن

رنگ مذکور رنگ کنند و چون رنگ باقی مرتبه دوم کسیس سائیده و اضافه نموده رنگ کنند
و باختیار طبیعت هر قدر که خواهند یکبار یا دو بار غوطه دهند باز باده رنگ طوسی قسم اول خواهد شد
نقش نیم پاؤ میشه و نیم پاؤ ثمر ام غیلان و کسیس یک دام همه را جوش کرده رنگ سیاه دهند و دیگر پوست
ببول پاؤ انار کا پھل چار دام هر یک را کوب نموده شب آب تر کرده صبح جوشانده اول پارچه را پھٹکری
و دو دام داده رنگ نماید و یک دام کسیس همان رنگ آمیخته باز غوطه دهند رنگ طوسی اول خواهد شد
و دیگر اول حصه مازوی کلان آورده باریک سائیده در آبی که لائق شوب پارچه بود حل کرده
یک تمام قبا را رنگ دهد و پارچه را خشک کند و آب مازو را دور کند آب دیگر در آن کرده و کٹ
از آنجوره چهارم حصه در آب مذکور انداخته رنگ دهد فاختئی خواهد شد پارچه را خشک کرده سه پاؤ
پوست ببیری آورده خوب باریک نموده در آب خوب جوش دهد هر گاه رنگ از و بیرون آید باز رنگ دهد
خوب طوسی خواهد شد بعده باز و دهد و دیگر چار ماشه مازو آورده باریک سائیده در آب بسیار آمیخته شوب دهد
ای کف نشاسته
پس آن آب را دور کرده در آب دیگر اندک اندک کٹ در آب انداخته با دست کٹ و آب را مخلوط نموده بسیار
رنگ دهد و پارچه را خشک کند کیروی یک مٹی آورده در آب دیگر سائیده بدست صاف کرده باز
رنگ دهد و خشک کند و تر نگهدارد و آهک بوزن کوڑی و کته بوزن یک و نیم فلوس کته را سائیده
و اندک آب تر کرده نگهدارد و بعد از آن آنرا خوب سائیده در آب بسیار مخلوط کرده صاف نموده آهک را
با کته مخلوط نموده تا یک گھڑی بخته در آفتاب بکف دست بر هم زند باز رنگ دهد باز آب دور کرده
در همه از این پایه در طوسی شود دیگر **طوسی مائل بسرخی خوشنما** تجربه از حافظ مرا عبد الغفار بیک صاحب
خورجوی سلمه الله تعالی مجیٹھ نیم پاؤ برگ حنا نیم پاؤ هلیله زرد نیم پاؤ آمله خشک نیم پاؤ قند سیاه نیم پاؤ
اول مجیٹھ و برگ حنا را کوفته شب در آب شش سیر تر داشته در ظرف گلی صباح چند جوش دهد صاف کرده
نگهدارد و پس هلیله زرد و زرد چوب باریک سائیده در آب بسیار انداخته بنوعی رنگ کند که داغ بر پارچه نیفتد
پس فشرده بیفشاند و در سایه خشک نماید و قند سیاه و آمله را در ظرف آهنی و اندک آب انداخته بآفتاب نهد
هر گاه جوش زند و سیاه شود و در رنگ مجیٹھ و حنا مذکور انداخته باز رنگ کند طوسی خوشنما شود برای پارچه هفت گز

فصل پنجم در بیان رنگ کاهی یعنی سبز اول نیل ... یک ابر ... رضائی بقیمت ... اول آورده سائیده
و پارچه را در آب شوید بعد ازین در ناسپال بوزن پنج یا شش فلوس بوقت شب تمام در آب تر کرده نگاه دارد
صباح صاف کرده رنگ دهد بعد ازین زاک سفید بوزن یک پول سائیده در آب دیگر پارچه را دهد بعده در همین آب
مایه را دهد و رنگ دهد کاهی خواهد شد مسئله طحطاوی است اختلف فی لبس الاخضر
فقیل لا یلبس لانه من لباس الشیطان وقال بعضهم یلبس لما روی انس رضی الله عنه
کان احب الالوان الی رسول الله صلی الله علیه وسلم الخضرة وثیاب اهل الجنة خضر ولبس
صلی الله علیه وسلم البرد الاخضر وما قیل انه من لباس الشیطان لا یصح
دیگر رنگ سبز اول در نیل پارچه را رنگ کند بعده در جوشانده زرد چوب غوطه دهد و خشک نماید و کاکره سینگی
کوفته جوش داده پارچه سبز نموده غوطه دهد و خشک ساخته آب پهتکری بمالد که خوب سبز خواهد شد دیگر زرد چوب را
بسیار باریک سائیده قدری آب سجی در و آمیخته پارچه را ساعتی در و بگذارد بعده با آب صابون بشوید بعد ازان
در دوغ ترش پهتکری سائیده در آن آمیخته رنگ کند کاهی شود دیگر پوست بیخ درخت کنار صحرائی پاؤ آثار
و آب یک آثار پاؤ بالا شب تر نموده صبح جوش دهد پس صاف نموده کسیس رنگ نه ... کسیس دران حل نموده
بقدر نیم دام جامه را دو سه مرتبه غوطه دهد اگر کسیس زیاده دهد رنگ زیاده شود والا ... صاحب ...
فصل ششم در بیان رنگ مردین و ... پارچه را نیل آنقدر دهد که سبز اول رنگ مردین باشد
بعد ازین زرد چوب بوزن شش فلوس سائیده بدهد پارچه را در آب صاف کند بعد ازین ناسپال بوزن پاؤ آثار
جوش داده رنگ صاف کرده دهد و آب ناسپال را نگاه دارد بعد ازین اندک آب کت دهد بعد ازین در آب
همان ناسپال زاک سفید بوزن دو پول سائیده مخلوط نموده باز رنگ دهد و در همین آب مایه دهد رنگ مردین اول
خواهد شد دیگر یک طریق زمردی در فصل نموده گذشته از انجا باید گرفت دیگر برگ ملائم درخت نیم یعنی ...
نیم پاؤ در نیم آثار آب جوش دهند سه بار و هر بار رنگش علیحده دارند اول آن رنگ اول شوب داده فشرده خشک کند
باز برنگ دوم رنگ کرده فشرده خشک نماید باز برنگ سوم نه ماشه پهتکری باریک سائیده دران آمیخته
شوب پارچه را خوب داده فشرده خشک نماید که سبز زمردی خواهد شد فصل هفتم در رنگ عاقل خانی

یک چیره را نا سپال انحیست نیم بول آمده جوش داده سرد کنند و صاف کرده رنگ دهند خشک کنند بعده
دو دست بعده یک آبخوره رنگ دهد و باز چیره خشک کنند بعده نیم آبخوره رنگ داده باز خشک کرده دست کنند بعده زاک
بوزن دو فلوس خوب شوید بعده پهتکری که انهم باشد بوزن هفت فلوس جوشانده و در صد چیره را جو کوب کرده
جوش داده رنگ گرفته باز جوش دهد در آب کهاری که شور باشد هر دو رنگ مخلوط کرده و نیم رنگ دهد
پس خشک ساخته سبز کرده باز نیم بقیه دیگر رنگ دهد بعده در همین آب بوزن یک کوزی سخته
شوید در دیگر بسته و در صد چیره را نا سپال پاو آثار داده خشک نموده آب گرم یک آبخوره بدهد بعده
زرد چوب چندن دو دام سائیده و زاک سفید بوزن چهار دام در آب زرد چوب حل کرده رنگ کنند خشک سازند
بعده چوب بقم که خوب سرخ و شیرین باشد بوزن دوازده دام جو کوب کرده وقت شب در آب کهاری خوب
جوشانده صاف کرده صبح رنگ دهد باز پهتکری بوزن دو فلوس خوب سائیده در آب مخلوط نموده رنگ دهد
باز در دو پایه مخلوط نموده باز در آن رنگ دهد رنگ اعلی شود اگر گرمی زیاده دهد کالا کرمزی گردد و اگر میانه دهد
چنونیه شود ورنه حاقن خانی بود **فصل هشتم** در رنگ نافرمانی چیره ابر رنگ بر سپرده بگوید که این را
نافرمانی خواهم کرد این را آنقدر نیل بده که نافرمانی شود بعد از آن وچهٹانک که نیم پاو آثار باشد رنگ
دوم کسنبه که گل عصفر است بگیرند و در آن چیره برار رنگ داده بعده در همان قدر شهاب بدهد و ترشائی
کیری انبه بوزن دو فلوس در آب تر کرده که نگاه داشته باشد در همان آب رنگ انداخته باز رنگ دهد نافرمانی خواهد شد
فصل نهم در رنگ گل انار اول نیم پاو رنگ کسنبه را که بعد از شهاب که رنگ اول باشد میگیرند
و یک چیره را بدهند بعده همان قدر شهاب دهد بعده در همین آب شهاب زرد چوب بوزن یکدام یا دو دام بدهد
بعده ترشی کیری انبه دو فلوس که در آب تر کرده نگاه داشته باشد همین آب رنگ دهد گل انار قسم اول شود
مسئله در مختار است وکره لبس المعصفر والمزعفر الاحمر والاصفر للرجال یعنی مکروه است
پوشیدن رنگ کرده کسنبه و رنگ کرده زعفران سرخ باشد یا زرد مر مردان را از عفرانی هر دو قسم خود مکروه است
و از قید مردان مفاد آنست که زنان را مکروه نیست **فصل دهم** در رنگ بادامی اول کپیره ...
آورده نیم دهد و پارچه را خشک کند بعده ... دوازده و نیم ... آورده آنرا خشک نموده و در هاون کرفته

چانول آن بگیرد و چانول را دو یک کرده آب یک آثار انداخته خوب جوش دهد هرگاه دو سه جوش شوند
وظل مذکور که از شود رنگ آنرا گرفته نگاه دارد و آب دیگر سوای نمک آورده انداخته و دران آب خمیر رنگ انداخته
پارچه سار رنگ دهد اگر رنگ کم آید دیگر که نگاه داشته بود آنرا در همان رنگ دهد بادامی شود و دیگر گل هار سنگهار
دو توله را در آب جوش دهد بعده سرد کرده در ظرف گلی خواه مسی قلعی دار نگاه دارد اول پارچه را برنگ عصفر
رنگ خفیف کرده بعده با آب خالص شوید بعده عرق سه عدد کاغذی لیمو را در آب آمیخته دران پارچه را شوید
پس آنرا افشرده خشک کنند بازه رنگ گل هار سنگهار شوب داده فشرده خشک کنند که نهایت عمده بادامی
خواهد شد فصل یازدهم در رنگ فاختئی برای یک تهان قبا دو مازو می بزرگ که سبز باشد و سوراخ
دران نشده باشد و پر وزن بود آنرا جوکوب کرده در اندک آب تر کرده یک پاس نگاه دارد بعده سائیده
دران قدری آب که پارچه دران رنگ کرده شود انداخته مخلوط نموده رنگ دهد بعده در همان آب یک پارچه تخم
از آبخوره کشا انداخته باز رنگ دهد که فاختئی شود فصل دوازدهم در رنگ خوب تهان قبا را بوزن
شش فلوس نا سپال و شش فلوس کاتچل گیرد و سیاهی کاتچل دور کند و سرخی کاتچل بگیرد و سه پول
این هر سه را جوکوب کرده و آب آنقدر که پارچه رنگین شود تر نموده تا سه روز نگاه دارد بعد سه روز بر آتش
خوب جوش داده صاف کند اول پارچه را پھٹکری داده خشک کرده در رنگ جوش داده مصفی رنگ دهد خوب رنگ شود
دیگر یک تهان را نا سپال پاؤ آثار و مجیٹھ بوزن چهار فلوس هر دو را جوکوب نموده وقت شب
آب بقدریکه بدان پارچه رنگ کرده شود دران انداخته تر کرده نگاه دارد و صباح جوش داده رنگ را
صاف کرده نگاه دارد و اول پھٹکری بوزن دو فلوس پارچه را داده خشک کند هرگاه که اندک نم در پارچه ماند
در رنگ مصفی مذکور مصبوغ سازد که خوب خواهد شد فصل سیزدهم در رنگ دوده پخته تینک قدری خوج
در وا انداخته در دو آثار آب جوش دهد و صاف کرده پھٹکری داده غوطه دهد دیگر از میرزا محمد عبدالغفار
خوجوی سلمه الله تعالی برای پارچه دوازده گز باید که بیار و لنیم که تینک شیرین بود یک آثار آنرا ریزه ریزه کرده
شب در آب دوازده آثار تر کنند صباح آنرا بجوشانند چون نصف ماند صاف کرده آن رنگ را نگاه دارند
بازه دران همانقدر آب شیرین انداخته بجوشانند چون نصف ماند آنرا صاف کرده علیحده نگاه دارد اول پارچه را با آب

پھٹکری سفید شش تولہ سائیدہ آمیختہ در آن پارچہ را شوب دہد پس فشردہ قدری خشک نمودہ و بیاید نیم پاؤ
باریک سائیدہ در آب کہ بقدر شوب بود آمیختہ پارچہ را تر کند و خوب رنگ دہد پس فشردہ خشک کردہ
کسیس شش تولہ در آب سائیدہ پارچہ مذکور در آن تر کند و فشردہ خشک نماید بعدہ در رنگ دوم لقم شوب دہد
و فشردہ خشک نماید باز در رنگ اول لقم پھٹکری شش تولہ سائیدہ آمیختہ جامہ تر کند و فشردہ خوب خشک نماید
باز آنرا در آب کہ در آن ہلیلہ ... آمیختہ باشد تر نماید و فشردہ خشک نمودہ کندی نماید **فصل چہاردہم**
در رنگ نارنجی شہاب پاؤ سیر زعفران نیم تولہ در شہاب حل کردہ رنگ نماید کہ نارنجی خواہد شد **فرد**
رنگ زردی ز فراق آمد و سرخی ز وصال ۔ سوز عشق است کہ رنگش ہمہ گوناگون است ۔ مسئلہ فی طحطاوی ست
الکراهة تنزیهیة محمولة علی ارادة التشبه بالنساء والتکبر وتنتفی بانتفائهما
نقول الائمة الثلثة بحل لبس الاحمر وهم ابو حنیفة ومالک والشافعی رحمهم الله تعالی
لان النبی صلی الله علیه وسلم لبس الحلة الحمراء وتاویلها بذات الخطوط مردود
والدلیل القطعی اثبت حله وهو قوله تعالی خذوا زینتکم عند کل مسجد لان المامور
ماخذه عام وحکم العام اجراؤه علی عمومه **فصل پانزدہم** در بیان رنگ سرخ پختہ کہ از شستن نرود
مجیٹھہ پاؤ آثار لاکہ دانہ نیم پاؤ مہاور نیم پاؤ سہاگہ دو دام جلد ریجا در سہ آثار آب جوش دادہ پارچہ بیز نمودہ
رنگ دہد دیگر از حافظ مرزا عبد الغفار بیگ صاحب نور رجوی سلمہ اللہ تعالی برای پارچہ دوازدہ ... بیارد یک آثار
لقم شیرین آنرا کوفتہ ریزہ ریزہ نماید و در دہ آثار آب شیرین جوش خفیف دادہ شب گذاشتہ صباح باز خوب
بجوشاند کہ نصف آب بماند پس صاف نمودہ بدارد باز ہمانقدر آب در آن انداختہ بجوشاند چون نصف رسد
صاف کردہ علیحدہ گیرد اول پارچہ را در آب کہ در آن ہلیلہ زرد یک چھٹانک سائیدہ آمیختہ باشد تر نماید پس
فشردہ خشک کند بعدہ در آب پھٹکری سفید شش تولہ سائیدہ پارچہ را در آن شوب دہد و فشردہ خشک نماید
بعدہ رنگ دوم لقم را در پارچہ رنگ دادہ فشردہ خشک کند باز در رنگ اول پھٹکری سفید شش تولہ سائیدہ
آمیختہ بدست آن قدر بجنباند کہ کف آرد پس در آن پارچہ را رنگ دادہ تا یک پاس تر دارد و فشردہ خشک نماید
باز ہلیلہ زرد یک چھٹانک باریک کردہ در آب آمیختہ پارچہ مذکور را در آن رنگ دہد و ساعتی بگذارد کہ خوب تر شود

بعده فشرده خشک نماید بغه سی رسانند که سرخ پخته خواهد شد انشاء الله تعالی مسئله در عنایت
وفی المجتبی والقہستانی وشرح النقایۃ لابی المکارم لا باس بلبس الثوب الاحمر انتہی
ومفادہ ان الکراھۃ تنزیھیۃ لکن صرح فی التحفۃ بالحرمۃ فافاد انہا تحریمیۃ وھی المحمل
عند الاطلاق قالہ المصنف وللشرنبلالی فیہا رسالۃ فیہا ثمانیۃ اقوال منہا انہ مستحب

فصل شانزدہم در بیان رنگ سرخ کاکریزی تینک پاؤ آثار مہاورد ودام حرمزی ... زنجبیل یک دام
جمله را یکجا نموده دریک و نیم آثار آب جوش داده صاف نموده رنگ کند **فصل ہفدہم** در رنگ چیلانی یعنی عنابی
پوست ببول پاؤ آثار و همین قدر پوست جهٹربیری و مجیٹھه و تینک مهاورد جمله را در چار آثار آب جوش داده پارچه سبز
رنگ دهد **فصل ہیجدہم** در رنگ اغوانی پخته اول پارچه را پهٹکری داده خشک نماید بعده پوست ہلیله کابلی
سه عدد گرفته در آب سائیده شیره او گرفته پارچه را تر نماید و خشک سازد بعده چوب تینک که تقیم باشد
خوب جوشانیده پارچه سبز نموده غوطه دهد **فصل نوزدہم** در رنگ سماری یعنی ... پارچه را
پهٹکری داده خشک نموده در جوشانده چهلی ببول پارچه سبز نموده غوطه دهد **فصل بستم** در رنگ بسنتی
جامه از زرد چوب پاؤ آثار و داده نیل یک فلوس را آورده نیمه از ان سائیده پارچه تر را رنگ دهد و از ان خشک
بران پارچه مالد اگر رنگ خوب نظر آید بهتر ورنه بقیه نیل که داشته بهتر باز دهد و زاک بوزن یک و نیم بول در آب نیل
مخلوط نموده رنگ دهد بعد از ین تاسیال پاؤ آثار را جوش داده رنگ صاف کرده زاک سفید بوزن یک و نیم دام
در آب تاسیال مخلوط کرده رنگ دهد خوب بسنتی شود دیگر نیل چار ماشه را در آب سائیده اول پارچه را
دران رنگ کند بعده تاسیال شش دام را جوش داده صاف نموده نگهدارد و پهٹکری را در آب سائیده دران
پارچه را شوب کرده فشرده خشک کند باز ہلدی شش دام را خوب سائیده در آب آمیزد و دران پارچه را شوب دهد
و فشرده خشک کند باز پهٹکری دهد فشرده خشک کند بعده در رنگ تاسیال مطبوخ مذکور رنگ داده فشرده خشک کند **الغرض** ہر بار
که رنگ داده باشد فشرده خشک کرده باشد دیگر اول پارچه را در زرد چوب رنگ دهد بعده در صابون
رنگ سازد و از ان بعد بعرق و یا عرق لیموی کاغذی در آب آمیخته شوب دهد و فشرده خشک کند که رنگ پخته
بسنتی عمده خواهد شد **فصل بست و یکم** در رنگ دورخه که هر دو طرف و هر پته رنگ دیگر باشد باید و پته ململ

کرباس [illegible] باشد اندازد رنگ کند پس یک طرف او را کف دست [illegible] خوب سخت کرده [illegible]
بر کاغذ اسبغول [illegible] باز خشک سازد بهر گاه که خشک شود جانب دیگر از [illegible] رنگ [illegible] خشک سازد پس کاغذ [illegible]
پست [illegible] کند یک طرف رنگ [illegible] و دو طرف دیگر رنگ سبز باشد **فصل بست و دوم** در سرخ کردن

پارچه ابریشمی مثل [illegible] و دو شاله [illegible] در آب انداخته خوب بشوید [illegible]
و آب بقدر [illegible] انداخته خوب بجوشد بعده لاک که دران انداخته دو توله تیزاب انداخته خوب [illegible]
چار [illegible] دران انداخته بجوشانند تا یک ساعت پس برآورده [illegible] خوش رنگ خواهد شد [illegible]
شوره قلمی [illegible] پهتکری سرخ کسیس [illegible] نیم نیم پاو جو کوب کرده در ظرف گلی انداخته بالای [illegible]
نهاده و در سر پوش هم سوراخ کرده [illegible] بند کرده خشک نماید [illegible] بند کرده باتش ملائم تیزاب [illegible]

از جانب مرزا عبد الغفار بیگ صاحب [illegible] سلمه الله تعالی **فصل بست و سوم** در رنگ [illegible]
همچو مونگ باشد [illegible] پارچه را در آبی که دران پهتکری سفید دو توله سائیده آمیخته باشد شسته [illegible] فشرده
خشک کرده در آبی که دران هلیله زرد پنج توله سائیده باریک نموده باشد رنگ [illegible] بعده فشرده خشک کرده
باز در آب [illegible] هلیله زرد و کسیس یک یک توله سائیده دران آمیخته باشد رنگ [illegible] فشرده خشک نموده باز رنگ [illegible]
در آبیکه دران [illegible] باریک سائیده آمیخته باشد پس فشرده خشک نموده باز رنگ [illegible] در آبی که دران
پوست انار نیم پاو جوشانیده صاف کرده باشد که مونگیا پخته رنگ خواهد شد **فصل بست و چهارم**

در رنگ [illegible] آمله یک پاو و مازو [illegible] کتهه سیاه یک آثار و پهتکری [illegible] اول [illegible]
و آمله را جوش داده صاف نموده پارچه را رنگ [illegible] خشک کند بعده آب [illegible] باز خشک کند بعد رنگ کتهه سیاه
خشک کند پس در آبیکه پهتکری سائیده آمیخته باشد پارچه را شوید [illegible] فشرده خشک نماید باید که هر مرتبه که رنگ
داده باشد فشرده خشک نموده رنگ داده باشد مسئله در در مختار است لا باس بسائر الالوان
در لباس یعنی باقی رنگها که بان رنگ کرده باشد سوای معصفر و مزعفر باکی نیست کراهتی ندارد **فصل بست و پنجم**

در بیان رنگ فیروزی اول پارچه را در چونه [illegible] بطور [illegible] رنگ [illegible] مگر خفیف بعده طوطیا را سائیده [illegible]
آن طیار سازند و بمقدار [illegible] رنگ [illegible] دران پارچه را رنگ [illegible] خشک سازند [illegible] رنگ سازند [illegible]

رنگ خواهند داد رنگ عمده خواهد بود بعده پخته گری سائیده دان شوب بهند و افشرده چشت شانید رنگ صاف خواهد شد فقط

تمت

خاتمة الطبع الحمد لله والمنة که رساله عجوبه فن اولیعنی رنگ کردن کمهای نگار رنگی بیان جات درست
کرده تا این زمان تحریر نشده بتاریخ بستم ذی قعده ۱۳۰۸ هجری با قدس مطبع نظامی ان اکاپور مطبوع گردید

فهرست رساله انوار الصباغین مشتمل بر بست و پنج فصل

اشتهار این کتاب موافق قانون بستم سنه ۱۸۴۷ عیسوی حق اجرا بهی رجسٹری گورنمنٹ گردیده است بدون اجازت [illegible]
هیچ کسی قصد طبع نفرماید

دستخط خاتمه برای سند این معنی که این رساله مطبوع مطبع نظامی است مهر و دستخط مهتمم ثبت نموده شد



العبد

عبد الرحمن